



دوره ۵۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صفحات ۲۰۷ تا ۲۳۰ (مقاله پژوهشی)

تحلیل تلفیقی جرم حکومتی در پرتو نظریه فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی

حسین غلامی دون *

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

حسین جوادی حسین‌آبادی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۲۴)

چکیده

ایراد آسیب و صدمه به حقوق بنیادین بشر از سوی سازمان حکومت در راستای اهداف و منافع خویش که امروزه از آن با عنوان جرم حکومتی یاد می‌شود، با برپایی نخستین حکومت‌ها متولد شد. اما علی‌رغم دیرپایی، اهمیت و گستردگی این جرائم، تاکنون ابعاد مختلف و به‌ویژه تبیین جرم‌شناختی آن، چنان‌که باید، مورد مذاقه پژوهشگران علوم جنایی قرار نگرفته است. در میان رویکردهای مختلفی که می‌توان از آن‌ها برای توضیح جرم حکومتی بهره جست، پژوهش پیش رو با فایده‌ستانی از نظریه فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی به‌عنوان دو دیدگاه مکمل به دنبال تبیین تلفیقی جرم حکومتی با استفاده از روش تلفیق مفهومی است. یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از آن است که حکومت‌ها طی یک فرایند مبتنی بر روش‌های انکار و توجیه، مبادرت به ارتکاب جرائم حکومتی می‌کنند. در قدم نخست، اصل وجود جرائم حکومتی انکار می‌شود، در مرحله بعدی ناچیزانگاری زیان‌های وارده بر بزه‌دیدگان و سپس مسئولیت‌گریزی در دستور کار قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در کنار روش‌های انکار، ابزارهای موجه‌سازی (مکانیسم‌های دفاعی) نظیر عقلانی‌سازی، دلیل‌تراشی و غیره نیز با ایفای نقش توجیه‌کنندگی زمینه ارتکاب و استمرار جرائم حکومتی و جرائم علیه شهروندان را مهیا می‌سازند.

واژگان کلیدی

جرم حکومتی، تلفیق نظری، فنون خنثی‌سازی، مکانیسم‌های دفاعی، روش‌های انکار، ابزارهای موجه‌سازی.

* gholami1970@yahoo.com

مقدمه

جرایم یقه‌سفیدان اعم از جرائم یقه‌سرخ‌ها، یقه‌طلایی‌ها، یقه‌سبزها و مانند آن^۱ می‌تواند در سطح کلان و به‌صورت سازمانی ارتکاب یابد. یکی از سازمان‌های اجتماعی که در وقوع جرائم یقه‌سفیدی سازمانی نقش بسزایی دارد، حکومت است. حکومت در حالی که تعیین‌کنندهٔ مشروعیت امور است، بدون آنکه به‌عنوان مجرم تعریف شود، در موقعیت نقض قانون قرار دارد (کلیناد و کویینی، ۱۹۷۸ به نقل از راس، ۱۳۹۳: ۱۱۹). بدین ترتیب، علی‌رغم تناقض مفهومی (هاومن و سمولرز، ۱۳۹۶: ۴۲)، در حال حاضر با گذشت از دورهٔ غفلت جرم‌شناسی نسبت به جرائم صاحبان قدرت می‌توان به نقش حکومت در ارتکاب جرم توجه کرد و سخن از جرم حکومتی به میان آورد (Ross, 2000; Barak, 1990; Ward & Green, 2000: 76). جرائم حکومتی از آن جهت که با نرخ و سطح آشکاری متفاوت در همهٔ کشورهای جهان یافت می‌شود (Williams, 2010: 74)، در زمرهٔ مهم‌ترین جرائم محسوب شده (وارد، ۱۳۹۸: ۱۲) و می‌توان آن را مادر تمام جرائم دانست (Rothe, 2009)^۲.

جرایم حکومتی اعمالی است که موجب ایراد صدمات فیزیکی، مادی یا اجتماعی به شهروندان یک حکومت، گروهی از مردم یا مردم کشورهای دیگر می‌شود. این صدمات ناشی از اقدامات حکومت و سیاست‌هایی است که نهادهای دولتی واسطهٔ اجرای آن هستند (Green & Ward, 2004). شرح دیگری، جرم حکومتی را اعمالی می‌داند که همهٔ رفتارهای مبتنی بر نقض حقوق بشر را شامل شده و توسط کارگزاران دولتی ارتکاب می‌یابند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۷۸). در تعریف مشابهی اقدامات غیرقانونی، ضداجتماعی و ظالمانه‌ای که به نفع دولت‌ها یا نهادهای دولتی و نه برای سود و نفع فردی ارتکاب می‌یابند، جرم حکومتی دانسته شده است (کوزلاریچ و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۰). دویگ^۳ جرائم دولتی و یا حکومتی را اعمال غیرقانونی، ظالمانه و به‌لحاظ اجتماعی آسیب‌رسانی قلمداد نموده است که در راستای منافع دولت و یا سازمان‌های دولتی و نه برای منفعت شخصی ارتکاب می‌یابند (Doig, 2011: 41). بر این اساس، جرائم حکومتی جرائمی است که مرتکب آن، دولت بوده و در واقع علیه مردم اتفاق می‌افتد و به تعبیر ساده‌تر علیه حقوق بشر و

۱. جرائم یقه‌سفیدی مبتنی بر خشونت، به‌عنوان جرائم یقه‌سرخ‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای مطالعهٔ بیشتر رک: دارابی، شهرداد (۱۳۹۸)، *بزهکاری یقه‌سرخ‌ها*، ج ۱، تهران: نشر میزان.

۲. هرچند توجه به بزهکاری حکومت در قالب صورت‌بندی جدید چندان مسبوق به سابقه نیست، اما می‌توان جلوه‌هایی از توجه به آن را در نوشتگان جرم‌شناسانی نظیر میلز (Mills) مشاهده نمود. برای مثال، آنچه وی از آن به‌عنوان بی‌اخلاقی سطح بالاتر (Higher Immorality) یاد می‌کند قرابت نزدیکی با جرم حکومتی دارد.

3. Doig

حقوق بنیادین انسان‌ها ارتکاب می‌یابد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۲۸).^۱ در تعاریف فوق، مقصود از حقوق بشر فراتر از حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. وانگهی در معنای مضیق، حقوق بشر را می‌توان محدود به حقوق شناسایی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر دانست. بر این اساس، جرائم حکومتی به جرائم علیه نسل اول حقوق بشر (جرائم علیه کرامت ذاتی انسان، جرائم علیه حقوق مدنی و سیاسی و جرائم علیه حقوق قضایی)، جرائم علیه نسل دوم حقوق بشر (جرائم علیه حقوق اقتصادی، جرائم علیه حقوق اجتماعی و جرائم علیه حقوق فرهنگی) و جرائم علیه نسل سوم حقوق بشر (جرائم علیه محیط‌زیست، جرائم علیه صلح و جرائم علیه توسعه) تقسیم می‌شوند.

این جرائم با ویژگی‌هایی نظیر فقدان منفعت شخصی، دایره وسیع مفهومی جرم، ماهیت سازمانی^۲ و نقض حقوق اساسی بشر شناخته می‌شود. اگرچه جرائم حکومتی به دلایل مختلف از جمله گستردگی، شدت، ایجاد بزه‌دیدگی گسترده و آسیب‌های جبران‌ناپذیر، عدم امکان تعقیب و رسیدگی و نقض ارزش‌های بشری و اجتماعی از جمله مهم‌ترین جرائم محسوب می‌شوند، با این حال، تاریخ مطالعات حقوق کیفری گواه آن است که حکومت معمولاً نهاد کنترل‌کننده یا بزه‌دیده جرم به شمار آمده و بزهکاری آن علی‌رغم دیرپایی چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. چنان‌که برای سالیان طولانی، بزهکاری خیابانی و آن هم در سطح فردی، نقطه ثقل مطالعات جرم‌شناختی را به خود اختصاص داد و عمده نظریه‌های علت‌شناسی در این حوزه تولید گردید. وانگهی با طرح جرم‌شناسی معکوس از جانب ادوین ساترلند،^۳ سیطره نظریه‌های مرتبط با جرائم یقه‌آبی‌ها بر جرم‌شناسی رنگ باخت (دارایی، ۱۳۹۷: ۱۴) و تولد جرم‌شناسی انتقادی و توجه ویژه آن به جرائم یقه‌سفیدی، جرائم شرکتی و جرائم ناشی از سوءاستفاده از قدرت منجر به شکل‌گیری جریان مخالف قدرتمندی در مقابل جرم‌شناسی رایج شد. با این وجود، همچنان حوزه‌هایی نظیر جرم حکومتی^۴ به واسطه موانع متعدده^۵ از جمله هراس فکری ناشی از مجرم‌دانستن حکومت کمتر

۱. برای مطالعه تعاریف مختلف پیرامون جرم حکومتی رک: Green & Ward, op.cit.: 4؛ کوزلاریچ و دیگران، پیشین: ۱۲۰؛ Doig, op.cit.: 139؛ Chambliss; 2015: 9؛ Ward, 2018؛ عبدالهی، ۱۳۹۷: ۳؛ غلامی، ۱۳۹۸: ۷.

۲. به این معنا که حکومت یا نمایندگان آن‌ها به‌عنوان یک کل واحد عمل می‌کنند و سیاست‌هایی را می‌پذیرند (و به مورد اجرا می‌گذارند) که معمولاً مجرمانه است و غالباً در اقدامات خود از نظارت غیرقانونی داخلی و نقض حقوق بشر به‌صورت مستمر استفاده می‌کنند (راس، پیشین: ۱۲۶).

3. Edwin Sutherland

4. State crime

۵. این موانع به مشکلات روش‌شناختی پژوهش، عدم دسترسی به مرتکبان و قربانیان، پیچیدگی و ماهیت حساس، عدم امکان نزدیک‌شدن به ساختارهای قدرت و افراد قدرتمند (قورچی بیگی، ۱۳۹۵: ۳۰۴)، فقدان آمار قابل‌اطمینان در خصوص نرخ ارتکاب

مورد توجه قرار گرفته است و در نتیجه، ابعاد مختلف مرتبط با این جرائم نظیر علل، پیامدها، روش‌های پیشگیری و به‌ویژه نظریه‌های توجیه‌کننده، همچنان تا حد زیادی با فقدان و یا کمبود اطلاعات مواجه است.

برای رفع پاره‌ای از معضلات پیش‌گفته، جرم‌شناسانی مانند کرامر^۱، میشلوفسکی^۲، کوزلاریچ^۳، روث^۴، مولینز^۵ و پرویت^۶ تلاش‌هایی را در جهت تبیین نظری این جرائم انجام دادند. با این حال، اکثر دیدگاه‌های ارائه‌شده، جرم حکومتی را در پیوند با جرائم شرکتی، جرائم یقه‌سفیدی و جرائم بین‌المللی حکومت‌ها^۷ مورد مطالعه قرار داده‌اند و بعضاً به تمایز جرائم داخلی حکومت‌ها و جرائم حکومتی بین‌المللی بی‌توجه بوده و تحلیل واحدی برای هر دو دسته از جرائم فوق ارائه کرده‌اند. نظریه‌های ارائه‌شده همچنین به پاره‌ای از نظریه‌هایی جرم‌شناسی جریان اصلی که می‌توان از آن‌ها به‌منظور تبیین جرائم حکومتی استفاده کرد، بی‌توجه بوده و به‌علاوه صرفاً به استفاده از نظریه‌های جرم‌شناختی موجود بسنده کرده‌اند و به سایر مفاهیم و نظریه‌هایی که در حوزه‌های دیگر از قابلیت توضیح جرم حکومتی بهره‌مند هستند، بی‌توجه بوده‌اند.

وجود نقاط ضعفی که به آن‌ها اشاره شد، بازاندیشی نظری و ایجاد نظریه‌های جدید در حوزه جرائم حکومتی را اجتناب‌ناپذیر نموده است. دستیابی به نظریه جدید می‌تواند از طریق ساخت تئوری‌های نو و یا تلفیق نظریه‌ها و مفاهیمی باشد که از قابلیت ارتقای سطح کارکردی برخوردار بوده و توسعه‌پذیرند. جرائم حکومتی از آن جهت که مرتبط با عوامل گوناگونی هستند که فهم آن‌ها با استفاده از نظریه واحد امکان‌پذیر نیست، نیازمند فهم از طریق نظریه‌های تلفیقی است. راهبرد تلفیق به دنبال آن است تا در پرتو توجه به مجموعه علل ارتکاب جرم، از واقعیت پدیده مجرمانه ابهام‌زدایی نموده، کاستی‌های نظریه‌های تک‌بعدی را جبران ساخته و ارائه‌کننده توصیفی جامع‌تر از جرم باشد. بدین ترتیب، هدف از تلفیق شناخت عناصر مشترک دو یا چند نظریه، تولید یک دیدگاه ترکیبی است که در نتیجه آن نظریه‌های ترکیب‌شده کارایی بیشتری نسبت به زمان قبل

و بزه‌دیدگان، وجود رقم سیاه بالا، جایگاه سیاسی مرتکبان، اکراه قربانیان به عدم گزارش‌دهی، عدم دسترسی به گواهان برمی‌گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲).

1. Kramer
2. Michalowski
3. Kauzlarich
4. Rothe
5. Mullins
6. Pruitt

۷. برای نمونه رک:

Rothe, Dawn L and Mullins, Christopher W (2009), "Toward a Criminology of International Criminal Law: An Integrated Theory of International Criminal Violations", *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*. Volume 33, Issue 1, pp: 97-118.

از ترکیب خواهند داشت (Akers & Sellers, 2009: 301) در راستای استفاده از روش فوق، نگارندگان در پژوهش حاضر بر آن‌اند که بر اساس یک توالی منطقی از نظریه فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی برای تبیین جرم حکومتی به‌عنوان دو دیدگاه مکمل بهره‌برند.

نظریه فنون خنثی‌سازی^۱ که هم‌اکنون به‌واسطه آزمون‌های تجربی، جایگاه برجسته‌ای در جرم‌شناسی یافته است (Nicholson & Higgins, 2017)، دلالت بر نوعی توجیه‌سازی آگاهانه (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۴)، برای ارتکاب و استمرار رفتار مجرمانه دارد (Kaptein & Helvoort, 2018: 1). در این مفهوم مرتکب با پدیدآوردن چهارچوب ذهنی توجیه‌کننده در دادگاه وجدان خود، مجوز بزهکاری را صادر می‌کند و پیش از ارتکاب جرم، از آن قیح‌زدایی کرده و انجام آن را توجیه می‌نماید و به این ترتیب، اثر بازدارنده ناشی از تعهد در زندگی اجتماعی را خنثی می‌سازد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۶۳ به نقل از قماش، ۱۳۹۴: ۲۶۰). هرچند این فنون برای نخستین بار از سوی سایکس^۲ و ماتزا^۳ برای توضیح بزهکاری جوانان استفاده شد (ولد و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰۰)، اما می‌توان از گزاره‌های مندرج در آن برای تبیین سایر جرائم نیز بهره‌جست (Kieffer & Sloan, 2009: 320). بدین ترتیب علاوه بر سطح خرد، این نظریه قابلیت تطبیق بر بزهکاری سطح میانه و کلان را دارد.^۴

نظریه فنون خنثی‌سازی از آن جهت که به‌عنوان شیوه‌ای برای نادیده‌انگاری قید و بندهای اخلاقی، قانونی، دینی و بین‌المللی به کار می‌رود، می‌تواند توضیح‌دهنده رفتارهایی باشد که در عین بهره‌مندی از ظاهر موجه، مجرمانه‌اند. حکومت‌های امروزی با توجه به آنکه به‌شدت تحت نظر و کنترل مقررات بین‌المللی، رسانه‌ها، افکار عمومی، فشارهای درونی و برونی، نظارت‌های داخلی و خارجی، واکنش‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد قرار دارند و خود را در معرض جنبش‌های اجتماعی، شورش‌های داخلی، تحریم‌های اقتصادی ناشی از نقض حقوق بشر، ایجاد محدودیت از سوی سازمان‌های مالی فراملی و تعقیب از سوی نهادهای قضایی بین‌المللی می‌دانند، تلاش می‌کنند رفتارهای مجرمانه خویش را برای فرار از مسئولیت و تبعات احتمالی به‌نحوی انکار کنند و به شیوه‌های خنثی‌سازی نظیر انکار جرم، انکار بزه‌دیده و انکار مسئولیت متوسل شوند. به تعبیر دیگر، اگر بپذیریم مشروعیت دولت‌های معاصر بر اساس تعهد واقعی یا صوری آن‌ها به حقوق بشر

1. Neutralization theory

2. Sykes

3. Matza

۴. برای نمونه، وایت، چگونگی استفاده از تکنیک‌های خنثی‌سازی توسط شرکت‌های بزرگی نظیر تویوتا، فیات و فولکس را مورد مطالعه قرار داد. در سطح کلان نیز کوهن با تأکید بر شباهت سازوکارهای انکار مورد استفاده نهادی عمومی و دولتی با روش‌های مورد استفاده افراد، از این فنون برای توضیح تعديت‌های عمومی و سیاسی، نقض حقوق بشر و شکنجه استفاده نمود (Whyte, 2016: 168).

است (گرین و وارد، ۲۰۰۴ به نقل از لسل، ۱۳۹۷: ۱۱۳). آنگاه که حکومت‌ها مرتکب رفتارهای سازمانی نقض‌کننده حقوق بشر (جرم حکومتی) می‌شوند، برای حفظ مشروعیت خویش در اذهان عمومی داخلی و خارجی راهی جز توسل به فنون خنثی‌سازی برای انکار جرائم ارتكابی ندارند، درست در همین نقطه است که می‌توان به اهمیت این نظریه در تحلیل جرائم حکومتی پی برد. با این وجود و علی‌رغم کارایی فنون خنثی‌سازی برای حکومت، توسل به این سازوکارها به‌تنهایی نمی‌تواند حکومت بزهدکار را از تبعات رفتار مجرمانه خویش مصون سازد؛ به همین دلیل استفاده از ابزارهای موجه‌انگاری نیز برای اطمینان از حفظ مشروعیت حکومت ضروری است. بدین ترتیب، حکومت مانند یک شخص حقیقی در موقعیت اضطراب‌آور، تهدیدکننده و آسیب‌زننده‌ای که به‌واسطه ارتکاب جرم حکومتی برای خود ایجاد نموده است، دست به استفاده از مکانیسم‌های دفاعی^۱ خواهد زد.

مکانیسم‌های دفاعی فرایندهای روانی‌ای هستند که از فرد در برابر خطرات درونی و بیرونی محافظت می‌کنند (Freud, 1962; Balkman, 2003; Jon, 2014) به نقل از صدری و دیگران، ۱۳۹۵: ۴). این مکانیسم‌ها همچنین، شیوه‌ای خاص از مواجهه، رفتار مقابله‌ای و تحریف‌کننده واقعیت تعریف شده‌اند (قمری و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۴) که وظیفه محافظت از خود را در مقابل موقعیت‌های تهدیدآمیز یا استرس‌زا بر عهده دارند (مهری‌نژاد و شریفی، ۱۳۹۶: ۱۲۲). به‌عبارت دیگر، زمانی که افراد نتوانند با روش‌های منطقی و مستقیم، در برابر خطراتی که آن‌ها را تهدید می‌کند از خود محافظت نمایند، از این مکانیسم‌ها استفاده می‌کنند (یارمحمدیان و ریحانی، ۲۰۱۲؛ Vaillant, 2000 به نقل از جهان و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۳). بر پایه چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۲ انجمن روان‌پزشکی آمریکا، مکانیسم‌های دفاعی عبارت‌اند از: سطوح بسیار سازگارانه (پیش‌بینی، پیوندجویی، نوع‌دوستی، شوخی، ابراز وجود، خودمشاهده‌گری، پالایش و فرونشانی)، بازداری روانی (جابه‌جایی، تجزیه، توجیه عقلانی، انزوا، واکنش وارونه، سرکوبی و ابطال)، تحریف تصویر ذهنی خفیف (خوارشماری، آرمانی‌سازی و قدرت مطلق بودن) سطح نفی (انکار، فرافکنی و دلیل‌تراشی) تحریف تصویر ذهنی شدید (خیال‌پردازی ناشی از درخودماندگی، همانندسازی فرافکن و دوپارگی تصورات خود یا دیگران)، سطح عمل (برون‌ریزی، کناره‌گیری توأم با بی‌احساسی، شکایت رد کمک و پرخاشگری نافع) و سطح بی‌نظمی دفاعی (فرافکنی هذیانی، انکار پسیکوتیک و تحریف پسیکوتیک) (نظام‌زاده و قمری گیوی، ۱۳۸۷: ۳۴).

1. Defence Mechanism
2. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (4th. edition)

علی‌رغم آنکه ادبیات شکل‌گرفته پیرامون مکانیسم‌های دفاعی عمدتاً فردمحور است، از منظر نوشتار حاضر می‌توان گونه‌هایی از آن به‌ویژه مواردی که با تحریف، انکار، تبدیل واقعیت و موجه‌سازی رفتار مرتبط است را به‌عنوان سازوکارهای تکمیل‌کننده فنون خنثی‌سازی و در سطح سازمانی مورد بحث قرار داد و از آن‌ها برای تحلیل جرائم حکومتی یاری جست. البته اذعان به این نکته ضروری است که استفاده از مکانیسم‌های دفاعی را زمانی می‌توانیم به حکومت نسبت دهیم که ضمن توجه به تمایزات شخص حقیقی و حقوقی، مواردی را از نظر بگذرانیم که قابلیت تطبیق بر رفتار حکومت را داشته باشد. از جمله مکانیسم‌هایی که حکومت‌ها برای توجیه رفتار خود از آن‌ها استفاده می‌کنند، می‌توان به فرافکنی، تحریف، عقلانی‌سازی، دلیل‌تراشی و آرمانی‌کردن اشاره کرد. این مکانیسم‌ها با در اختیار قراردادن ابزارهای لازم برای موجه‌انگاری جرم، زمینه را برای توجیه‌گری اقدامات مجرمانه حکومت فراهم آورده و سبب حفاظت از حکومت در برابر تهدیدات می‌شود. بدین ترتیب، حکومت‌ها از برخی گونه‌های مکانیسم‌های دفاعی برای شکل‌دهی به واقعیت، مطابق خواست خود استفاده می‌کنند.

مکانیسم‌های دفاعی امکان تحریف واقعیت، نادیده‌گرفتن نقاط ضعف و اغراق در دستاوردها، نسبت‌دادن کژکارکردها به دیگران و همچنین، دلیل‌تراشی را فراهم می‌کنند. از این حیث روش‌های مندرج در فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی به‌عنوان دو دیدگاه مکمل برای تشریح جرائم حکومتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تبیین جرائم حکومتی از طریق نظریه فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی در خصوص حکومت‌هایی که ظاهری موجه و حقوق بشری دارند، می‌تواند از آن جهت سودمند تلقی شود که به آشکارشدن واقعیت اعمال مجرمانه دولت کمک نموده و می‌تواند روش‌های محدودکننده انکار و موجه‌سازی را پیشنهاد دهد و بدین ترتیب، در پیشگیری از جرائم حکومتی مؤثر باشد. روش‌های انکار و توجیه برآمده از این دو دیدگاه، این امکان را برای حکومت‌های جنایت‌کار فراهم می‌آورند تا بتوانند ضمن حفظ ظاهر حقوقی،^۱ انسانی و اخلاقی خود به ارتکاب انواعی از جرائم حکومتی مبادرت ورزند. نکته قابل‌توجه آنکه فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی نه‌تنها زمینه ارتکاب جرائم حکومتی را فراهم می‌کنند، بلکه شرایط لازم برای استمرار جرائم حکومتی را نیز مهیا می‌سازند و به این ترتیب، نه‌تنها بخشی از علل جرائم حکومتی را توضیح می‌دهند، بلکه توضیح‌دهنده چگونگی تکرار جرم حکومتی نیز هستند.

بر اساس آنچه گفته شد، مقاله پیش رو طی دو قسمت اصلی، جرائم حکومتی را از منظر سازوکارهای انکار برآمده از فنون خنثی‌سازی و سپس روش‌های توجیه‌گیری مندرج در

۱. دولت حقوقی دولت مقید یا محصور به حقوق یا قالب حقوقی مردم‌سالاری است (جاناتان، ۲۰۰۳: ۶۴۹ به نقل از ویژه، ۱۳۸۹).

مکانیسم‌های دفاعی توضیح داده و به چگونگی ترکیب این دو دیدگاه برای تشریح جرائم حکومتی می‌پردازد.

۱. فنون خنثی‌سازی و جرم حکومتی

فنون خنثی‌سازی به‌عنوان راهی برای نادیده‌گرفتن قیود اخلاقی، قانونی و اجتماعی به کار می‌رود. از منظر برخی، فنون خنثی‌سازی یکی از گونه‌های نظریه یادگیری است. از این منظر بزهکاران فنون خنثی‌سازی و روش به‌کارگیری آن را از جامعه می‌آموزند. در مقابل جرم‌شناسانی مانند ولد و سیگل^۱ فنون خنثی‌سازی را در زمره نظریه‌های کنترل دانسته‌اند (سیگل، ۱۹۹۸: ۲۸۰-۲۷۹ به نقل از وایت و هینز، ۱۳۹۵: ۱۹۸ و سلیمی و داوری، ۱۳۹۳: ۴۳۱). گروه دیگری مانند وایت و هینز، این نظریه را با این استدلال که فنون خنثی‌سازی پس از دریافت برچسب مجرمانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، در فصل مربوط به دیدگاه‌های برچسب‌زنی مورد اشاره قرار داده‌اند (وایت و هینز، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۹۷). فارغ از اینکه فنون خنثی‌سازی را در کدام یک از گروه‌بندی‌های پیش‌گفته قرار دهیم، لازم است ماهیت و کارکرد هر کدام از این فنون مورد شناسایی قرار گیرد و قابلیت تطبیق آن با موضوع مورد مطالعه مشخص شود.

فنون خنثی‌سازی عبارت‌اند از: انکار آسیب^۲، انکار آسیب‌دیده^۳، انکار مسئولیت^۴، محکوم‌کردن محکوم‌کنندگان^۵ و توسل به ارزش‌های بااهمیت‌تر^۶ (همان: ۱۹۸). البته فنون خنثی‌سازی محدود به موارد پیش‌گفته نیست و محققان دیگری گونه‌های دیگری از فنون خنثی‌سازی را مطرح کردند (Ashforth & Anand, 2003; Shigihara, 2013; Henry & Eaton, 1999; Geva, 2006; Gellerman, 2003). از جمله کاپتین و هلورت، فنون خنثی‌سازی را ابتدا به دو دسته کلی و سپس به چهار زیرمجموعه، دوازده قسمت فرعی و شصت جزء تقسیم نموده‌اند (Kaptein & Helvoor, op.cit.: 6). این فنون همچنین، از طریق تلفیق با سایر مفاهیم و گزاره‌های مشابه مطرح‌شده در سایر علوم نیز قابل توسعه است. چنان‌که می‌توان گونه‌هایی از مکانیسم‌های دفاعی^۷ به‌ویژه مواردی را که با تحریف، انکار و تبدیل واقعیت مرتبط است، در قلمرو فنون خنثی‌سازی مطالعه کرد؛ روشی که پژوهش پیش رو از

1. Siegel
2. Denial of injury
3. Denial of victim
4. Denial of responsibility
5. Condemnation of the condemners
6. Appeal to higher loyalites
7. Defence Mechanism

آن استفاده خواهد کرد و تلاش می‌کند با ارتقای سطح کارکردی فنون خنثی‌سازی و با تلفیق آن‌ها با مکانیسم‌های دفاعی به توضیح چگونگی ارتکاب جرائم حکومتی بپردازد.^۱

۱-۱. انکار جرم حکومتی

مکانیسم انکار بر نفی واقعیت دلالت دارد و به انکار با عمل، انکار با فکر و انکار با عبارات تقسیم می‌شود. در این روش تلاش می‌شود آسیب، نادیده و یا بی‌اهمیت و ناچیز جلوه داده شود. هرچند استفاده از این ابزار بیش و کم مورد استفاده افراد خطاکار قرار می‌گیرد، ولی به صورت خاص زمانی که جامعه، اعمال زیان‌بار خاصی را که آسیب‌زا بودن آن افعال مسلم است، جرم‌نگاری نکند، استفاده از این فن تقویت می‌شود (کلمن و ولیم، ۱۹۸۷ به نقل از رحیمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۷). در خصوص جرائم حکومتی با توجه به آنکه، این جرائم هیچ‌گاه و یا به ندرت مورد هنجارگذاری جنایی قرار می‌گیرند، حکومت همواره این فرصت را خواهد داشت که اقدامات زیان‌بار خود را در پرتو روش انکار توجیه کند. سازوکار انکار با ایجاد فاصله زمانی میان تصمیم‌ها تا نتایج مجرمانه که می‌تواند سال‌ها به طول بینجامد، نه تنها توجیهی برای مرتکب فراهم می‌کند، بلکه به شیوه مؤثری رابطه انتساب حقوقی رفتار با نتیجه و علیت را محدود می‌سازد (وال، ۱۹۹۵ به نقل از هویسمان، پیشین: ۳۳۱). کوهن بر آن است که استفاده از این روش می‌تواند در سطح فرد و حکومت حتی به صورت ناخودآگاه برای اجتناب از موقعیت‌های آسیب‌رسان مورد استفاده قرار گیرد (Hamm, 2002: 178). وی با تأکید بر گستره دروغ‌پردازی حکومت به منظور فریب افکار عمومی بر آن است که حکومت‌ها از طریق عدم اطلاع‌رسانی، اطلاع‌رسانی غلط، تبلیغات گسترده و روش‌های رسانه‌ای نظیر به‌حاشیه‌راندن اخبار و غیره حقیقت را قلب می‌کنند و به تدریج نوعی فرهنگ انکار در سطح جامعه به وجود می‌آورند (Cohen, 1993: 97). به اعتقاد وی انکار مقامات رسمی نوعاً شامل یکی از موارد زیر است: انکار لفظی (اتفاقی نیفتاده)، انکار تفسیری (چیزی که اتفاق افتاده فرق می‌کند) و انکار مداخله‌ای (چیزی که اتفاق افتاده، موجه است).

استفاده از سازوکار انکار، تحریف واقعیت، دروغ و فریب در بسیاری از موارد به صورت توأمان مورد استفاده حکومت‌ها قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاران معمولاً نتایج زیان‌بار اقدامات خود را نمی‌پذیرند و یا آن را به‌گونه‌های مختلف توجیه می‌کنند. فریب افکار عمومی نیز به صورت

۱. فنون خنثی‌سازی نه تنها نقش توجیه خطا را دارند، بلکه کارکردی مقدم بر نقض قانون نیز دارند؛ به‌گونه‌ای که به‌طور اخلاقی عدم پیروی از قانون را تسهیل می‌کنند (کلمن، ۱۹۸۷ به نقل از هویسمان، پیشین: ۳۲۹). به عقیده کامن توجیه، یک عذر یا عامل پس از ارتکاب جرم نیست، بلکه یک بخش یکپارچه از انگیزه مرتکب برای رفتار است (کامن، ۱۹۸۷: ۴۱۱ به نقل از هویسمان، پیشین: ۳۲۹). بر این اساس، تکنیک‌های خنثی‌سازی ناظر به قبل از ارتکاب جرم نیز هستند؛ به‌نحوی که با این تکنیک‌ها فرد راه ارتکاب را برای خود تسهیل می‌کند (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۹۱: ۷۷).

گسترده در دستور کار حکومت‌های جنایت‌کار قرار دارد. برای نمونه، کره شمالی به‌عنوان نمونه‌ای از دولت اقتدارگرای فراگیر (توتالیتیر) چنان از ابزارهای انکار، تحریف، قلب حقیقت و غیره استفاده می‌نماید که ساکنان آن جهنم، خود را از جمله خوشبخت‌ترین انسان‌های روی زمین می‌دانند که در بهشت سوسیالیسم به سر می‌برند (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). بهشتی که در آن هیچ جرمی وجود ندارد و اصول محاکمه منصفانه، حقوق بشر، حمایت از اشخاص، تفکیک قوا و حاکمیت ادله در جریان است!!! (یون وو، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۱۹۹).^۱

سازوکار انکار، طی یک توالی چندمرحله‌ای مورد استفاده حکومت‌ها قرار می‌گیرد. در قدم نخست، حکومت تلاش می‌کند اصل ارتکاب جرم حکومتی یا قطعیت آن را زیر سؤال برد. زیرسؤال‌بردن حقیقت می‌تواند به‌صورت نفی کلی موضوع، غیرصحیح خواندن یا ناتمام‌بودن حقیقت باشد (Kaptein & Helvoort, op.cit.: 6). نفی فساد در سطح کلان، عدم پذیرش خشونت پلیس، شکنجه و نقض حقوق بشر از جمله نمونه‌های استفاده از روش انکار توسط حکومت است. در قدم بعدی، اگر خبر راجع به جرم حکومتی چنان منتشر شده باشد که امکان انکار وجود نداشته باشد، حکومت تلاش می‌کند با استفاده از سازوکارهای قلب حقیقت، جرم ارتكابی را موجه سازد و اقدامات انجام‌شده را به‌نحوی تفسیر کند که مورد اتهام قرار نگیرد.^۲ انکار جرم هرچند می‌تواند در کوتاه‌مدت حکومت را به اهداف خود در پنهان‌سازی اقدامات زیان‌بار نائل کند، اما در بلندمدت حکومت را با برچسب‌هایی نظیر فریب‌کار، دروغ‌گو، جنایت‌کار، فاسد و غیره مواجه ساخته، به تدریج سرمایه اجتماعی حکومت را فرسایش داده و دلبستگی مردم به آن را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه، تعهد و اعتقاد به ارزش‌های اجتماعی کمتر می‌شود. آثاری که به‌نوبه خود می‌تواند پیوند مردم و حکومت را تقلیل داده و سرانجام با کاهش مقبولیت نظام سیاسی^۳ زمینه

۱. برای مطالعه بیشتر رک: یون وو، مین (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتیر: جرم و مجازات در کره شمالی (با تأکید بر نقش پلیس)»، ترجمه حسین غلامی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۹، صص ۲۰۸-۱۹۱.

۲. نمونه‌های متعددی در خصوص استفاده از روش انکار توسط کشورهای مختلف وجود دارد. برای نمونه، دولت آمریکا به‌وفور از این سیاست استفاده می‌کند. برای مثال، بوش در حمله به عراق به‌صورت گسترده از این روش استفاده کرد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: وودوارد، باب (۱۳۸۷)، حکومت انکار: بوش در جنگ، ترجمه فریدون دولتشاهی، ج ۱، تهران: انتشارات اطلاعات. سیاست انکار همچنین در بسیاری از کشورهای آفریقایی مورد استفاده حکومت‌ها است (رک: فیلم مستند حکومت انکار، اثر ایلن اپستین، ۲۰۰۳).

۳. برای مطالعه بیشتر رک: آفاحسینی، علیرضا؛ محمدی‌فر، نجات؛ نجفی، داوود (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره هفتم، ش ۳، صص ۱۸۱-۱۵۵. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی با مشروعیت سیاسی در دو بعد عقلانی و کاربزماتیکی آن رابطه معناداری دارد. در پژوهش پیش‌گفته، نویسندگان بدون ذکر از جرائم حکومتی برخی از مصادیق آن را ناشی از ضعف سرمایه اجتماعی می‌دانند.

ارتکاب جرائم سیاسی علیه حکومت را فراهم کند. در چنین شرایطی حکومتی که با انواعی از جرائم سیاسی مواجه شده است، برای آنکه استمرار حیات خویش را تضمین کند، ممکن است به ارتکاب انواعی از جرائم حکومتی مبادرت ورزد. معمولاً در این وضعیت، جرائم خشونت‌بار حکومت علیه شهروندان نظیر شکنجه، خشونت پلیس، اعدام گسترده، ترور، تحمیل مجازات‌های شدید و غیرانسانی تشدید شده و حکومت با تروریست، منحرف، آشوبگر، غیرخودی و نفوذی خواندن مخالفان سعی در موجه‌سازی اقدامات خود می‌نماید.

۲-۱. انکار بزه‌دیدگی ناشی از جرم حکومتی

یکی دیگر از فنون خنثی‌سازی که عموماً پس از روش انکار جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد، انکار آسیب‌دیده است. در این روش، آسیب‌های وارده بر بزه‌دیده و یا وجود او انکار می‌شود. حتی فراتر از این تلاش می‌شود آسیب‌دیدگان لایق زیان و شایستگیان بزه‌دیدگی معرفی شوند. نظام‌های سیاسی با توجه به منابع و امکاناتی که دارند به‌وفور از این روش استفاده می‌کنند. در این مرحله حکومت تلاش می‌کند با ایجاد تردید در خصوص نتایج زیان‌بار اقدامات خود و با استفاده از شیوه‌های مختلف به توجیه آسیب‌های وارده پرداخته، منکر وجود بزه‌دیده و یا آسیب‌های وارده گردد. بدین ترتیب در قدم نخست، تمام تلاش خود را برای پنهان‌سازی زیان‌های وارده به کار می‌بندد و در مرحله بعدی مانع رسانه‌ای شدن خبرهای مربوط به جرائم ارتكابی از ناحیه حکومت خواهد شد. استفاده از کارشناسان با جهت‌گیری خاص و مطابق با سلیقه مسئولین در جهت توجیه آسیب‌دیدگی از دیگر روش‌های مورد استفاده در این مرحله است. حکومت‌ها از طریق رسانه‌ها و کارشناسان وابسته به خود تلاش می‌کنند بزه‌دیدگی را انکار و یا آن را ناشی از اقدامات زیان‌بار بزه‌دیدگان و دفاع حکومت در برابر آن‌ها قلمداد کنند. برای مثال، ممکن است حکومت خشونت پلیسی و یا حتی کشتن افراد در جریان یک راهپیمایی اعتراضی را به این نحو توجیه کند که معترضان در حین تظاهرات به شخص یا اشخاص خاصی اهانت کرده‌اند و یا امکانات و اموال عمومی را تخریب نموده‌اند و به همین دلیل، سزاوار مقابله خشونت‌آمیز بوده‌اند. به این ترتیب، جرائم حکومتی نوعی دفاع مشروع و یا عمل متقابل محسوب شده و مرتکبان آن نه تنها سرزنش نمی‌شوند، بلکه از آن‌ها با عنوان قهرمانان ملی و ازجان‌گذشتگان در راه وطن نام برده می‌شود. انکار بزه‌دیدگی ناشی از جرائم حکومتی سبب می‌شود نه تنها در افکار عمومی، بلکه در پژوهش‌های علمی نسبت به آن حساسیت ایجاد نشود. چنان‌که در حال حاضر، پژوهش‌های اندکی پیرامون بزه‌دیده‌شناسی جرائم حکومتی وجود دارد و صرفاً جرم‌شناسان کمی مانند فردریچ و کوئینی به دنبال بزه‌دیده‌شناسی رادیکال و انتقادی زیان‌ها و اقدامات غیراخلاقی سازمان‌یافته دولت‌ها هستند

(فورچی بیگی، ۱۳۹۴: ۱۴۸). این در حالی است که بزه‌دیدگی ناشی از جرائم حکومتی تفاوت‌های مهمی با سایر جرائم دارد؛ از جمله آنکه جرائم حکومتی سبب بزه‌دیدگی در حجم وسیع می‌شود، بزه‌دیدگان در موقعیت ضعیفی هستند، معمولاً به‌جهت بزه‌دیدگی سرزنش می‌شوند، جبران خسارت از بزه‌دیدگان جرائم حکومتی برعهدهٔ عاملان بزه است و در اکثر موارد بزه‌دیدگی آن‌ها توجیه می‌شود.

۳-۱. انکار مسئولیت ناشی از جرم حکومتی

انکار مسئولیت از دیگر فنون خنثی‌سازی است. در این روش، مرتکب تلاش می‌کند با استفاده از شیوه‌هایی نظیر لزوم تبعیت از مافوق، عدم اختیار در انجام فعل مجرمانه، فقدان علم به قانون، عدم علم به نتایج حاصله، وجود قصد دیگری از انجام جرم و کم‌اهمیت قلمدادکردن نقش خود، از مسئولیت فرار نماید. معمولاً در شرایطی که وضعیت پیرامونی جرم به‌نحوی است که امکان دخیل‌کردن عوامل متعدد وجود دارد، از این شیوه استفاده می‌شود. برای مثال، مأمورین دولتی با این استدلال که قوانین پیچیده یا مبهم است یا اینکه عمل مجرمانهٔ آنان عمدی نبوده و کاملاً تصادفی است، تلاش می‌کنند از مسئولیت خود در قبال رفتار مجرمانه طفره رفته و آن را انکار کنند (رحیمی‌نژاد و دیگران، پیشین: ۹۶؛ ۳۲۰: Kieffer & Sloan, op.cit.).

دولت‌ها در بسیاری از موارد با طفره‌رفتن از پذیرش مسئولیت در قبال ایجاد و یا گسترش آسیب‌های وارد شده به مردم، آن را به اموری از قبیل دسیسه‌های دشمنان خارجی، تحریم‌های گسترده، جنگ، تغییرات اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و غیره نسبت می‌دهند و تلاش می‌کنند با مرتبط‌کردن هر زبانی به آن، کم‌کاری‌ها، سوءمدیریت‌ها و جرائم ارتكابی خود را توجیه کنند. یکی از جرائمی که دولت‌ها در آن به‌شدت از روش انکار مسئولیت استفاده می‌کنند، جرائم حکومت-شرکت‌ها^۱ است. جرائم حکومت-شرکت‌ها چنان‌که از عنوان آن نمایان است، جرائمی را دربرمی‌گیرد که با مشارکت نهادهای حکومتی و شرکت‌ها به وقوع می‌پیوندد. این عنوان به جرائمی اشاره دارد که از رهگذر همکاری نهادهای دولتی و اقتصادی ظهور می‌یابد و به دو دستهٔ جرائم حکومت‌بنیاد شرکتی و جرائم شرکتی تسهیل‌شده به‌وسیلهٔ دولت طبقه‌بندی می‌شود (باراک، ۱۳۹۶: ۱۰۵). اگرچه این جرائم می‌تواند صور مختلفی داشته باشد، ولی در غالب موارد سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط‌مشی‌های آسیب‌زا از سوی دولت و فعالیت‌های زیان‌بار از سوی شرکت‌ها انجام می‌پذیرد.

1. State-corporate crime

جرائم حکومت-شرکت‌ها اقداماتی غیرقانونی یا زیان‌بار اجتماعی است که در حین همکاری مستقیم یک یا چند نهاد حاکمیتی سیاسی با یک یا چند نهاد تولید و توزیع اقتصادی، به‌منظور رسیدن به هدفی ارتکاب می‌یابد (کرامبر، ۱۹۹۰: ۳ به نقل از عبدالمهی، پیشین: ۶۲).

حکومت تلاش می‌کند در مواردی که اقدامات شرکت‌ها منجر به نتایج زیان‌بار می‌شود، مسئولیت را متوجه خود شرکت‌ها ساخته و از پذیرش نتایج زیان‌بار تصمیمات و اقدامات زیان‌بار خود طفره رود. تحقیقات فراوانی حاکی از آن است شرکت‌ها با حکومت برای کسب منافع دوجانبه همکاری می‌کنند (گرین و وارد، ۲۰۰۴: ۲۹ به نقل از هویسمان، پیشین: ۳۳۴). برای نمونه، وایت در پژوهشی در سال ۲۰۱۶ نشان داد که چگونه شرکت‌هایی چون فیات، تویوتا و فولکس جراثم ارتكابی خود را با استفاده از فنون خنثی‌سازی توجیه می‌کنند و دولت نیز با توسل به شعارهایی چون لزوم حمایت از تولیدگران، توجه به ظرفیت‌های داخلی، مقابله با واردات و غیره به دنبال حفظ وضعیت این شرکت‌ها به منظور بهره‌مندی از عواید ناشی از آن و در عین حال، عدم مسئولیت‌پذیری در خصوص آسیب‌های وارده به شهروندان هستند.

۲. مکانیسم‌های دفاعی و جرم حکومتی

مفهوم‌سازی مکانیسم‌های دفاعی در علم روان‌شناسی و توسط فروید انجام شده است. این مکانیسم‌ها دلالت بر شیوه‌های مقابله‌ای فردی در مقابل اضطراب دارند و عبارت‌اند از: واپس‌رانی،^۱ فرونشانی،^۲ واپس‌روی،^۳ انکار،^۴ جابه‌جایی،^۵ دلیل‌تراشی،^۶ جبران،^۷ عقلائی‌سازی،^۸ برون‌ریزی،^۹ درون‌فکنی،^{۱۰} همانندسازی،^{۱۱} برون‌فکنی (فرافکنی)،^{۱۲} والایش،^{۱۳} باطل‌سازی،^{۱۴} واکنش‌سازی،^{۱۵} آرمانی‌ساختن،^{۱۶} پیش‌بینی،^{۱۷} نوع‌دوستی،^{۱۸} اجتناب یا روی‌گردانی،^{۱۹} شوخ‌طبعی،^{۲۰} انزوا،^{۲۱} خیال‌پردازی،^{۲۲} پیوندجویی،^{۲۳}

1. Repression
2. Suppression
3. Regression
4. Denial
5. Displacement
6. Rationalization
7. Compensation
8. Intellectualization
9. Acting out
10. Introjection
11. Identification
12. Projection
13. Sublimation
14. Undoing
15. Reaction formation
16. Idealization
17. Anticipation
18. Altruism
19. Avoidance
20. Humour
21. Isolation
22. Fantasy
23. Affiliation

ناچیزشماری^۱، طفره و انحراف^۲، بازداری هدف^۳، دوپاره‌سازی^۴، گوشه‌گیری^۵، جسمانی کردن^۶، تبدیل^۷، جداسازی^۸، گسستگی^۹، قدرت مطلق یا همه‌توانا^{۱۰}، نمادسازی^{۱۱}، خیال‌پردازی درخودمانده^{۱۲}، مقاومت^{۱۳}، شکایت و رد کمک^{۱۴}، البته مکانیسم‌های روانی محدود به موارد فوق نیستند؛ چنان‌که در پژوهش‌های متأخر روان‌شناسان تا ۱۰۱ مکانیسم روانی را شناسایی کرده‌اند.^{۱۵} علی‌رغم آنکه ادبیات شکل‌گرفته پیرامون مکانیسم‌های دفاعی عمدتاً حول محور شخصیت فردی است، از منظر نوشتار حاضر می‌توان گونه‌هایی از مکانیسم‌های دفاعی به‌ویژه مواردی را که با تحریف، انکار و تبدیل واقعیت مرتبط است، در قلمرو فنون خنثی‌سازی مورد بحث قرار داد و از آن‌ها برای تحلیل جرائم حکومتی یاری جست. حکومت‌ها آنگاه که ناکارآمد، فاسد، درگیر انواعی از نابسامانی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هستند و قدرت مدیریت صحیح و حکمرانی مطلوب را ندارند، به‌سبب اضطراب ناشی از کژکارکردهای پیش‌گفته مبادرت به استفاده از مجموعه‌ای از روش‌های دفاع از خود می‌نمایند. بدین ترتیب، حکومت تلاش می‌کند ادراک خود و دیگران را از واقعیت را با استفاده از مکانیسم‌های دفاعی تغییر داده، تا خود را از انواع آسیب‌های احتمالی در امان نگاه دارد. از جمله مکانیسم‌هایی که حکومت‌ها برای توجیه رفتار خود از آن‌ها استفاده می‌کنند، می‌توان به فرافکنی، انکار، تحریف، عقلائی‌سازی و دلیل‌تراشی اشاره کرد.

۲-۱. فرافکنی و جرم حکومتی

فرافکنی^{۱۶} یا برون‌فکنی یکی از مکانیسم‌های دفاعی است که دلالت بر سرزنش و ملامت دیگران

1. Trivializing
2. Deflection
3. Aim inhibition
4. Splitting
5. Withdrawal
6. Somatization
7. Conversion
8. Compartmentalization
9. Dissociation
10. Omnipotence
11. Symbolization
12. Autistic fantasy
13. Resistance
14. Help-rejecting complaining

۱۵. برای مطالعه بیشتر پیرامون مکانیسم‌های دفاعی ر.ک: احمدوند، محمدعلی (۱۳۳۸)، مکانیسم‌های دفاعی روان، ج ۱، تهران: نشر بامداد؛ بلک من، جی اس (۱۳۹۶)، ۱۰۱ مکانیسم دفاعی (ذهن چگونه از خود دفاع می‌کند)، ترجمه زینب فرزادفر و محمود دژکام، ج ۲، تهران: نشر رشد؛ فروید، زیگموند (۱۳۹۵)، مکانیسم‌های دفاع روانی، ترجمه سیدحبيب گوهری راد و محمد جوادی، ج ۲، تهران: نشر رادمهر؛ فروید، آنا (۱۳۹۵)، من و سازوکارهای دفاعی، ترجمه محمد علی‌خواه، ج ۱، تهران: نشر مرکز.

16. Projection

برای رهایی از موقعیت آسیب‌زا دارد. این شیوه علاوه بر شرایط استرس‌زای روانی در رابطه با موقعیت‌های پیش و پس از ارتکاب جرم نیز قابل استفاده است. بدین نحو که ارتکاب جرم با تقبیح محکوم‌کنندگان توجیه می‌شود؛ مرتکب، انگشت اتهام را متوجه دیگران می‌کند و دیگرانی که آن رفتار را مورد سرزنش قرار می‌دهند، محکوم می‌کند. برای مثال مجرم، مقامات سیاسی یا کارگزاران نظام عدالت کیفری نظیر پلیس، قاضی، مسئولین زندان و غیره را فاسد معرفی می‌کند و آن‌ها را تقبیح می‌کند. علی‌رغم آنکه اکثر مجرمین از این شیوه برای توجیه اعمال مجرمانه خویش بهره می‌جویند، به عقیده بنسون این شیوه به‌وفور مورد استفاده مجرمان یقه‌سفید و صاحبان قدرت قرار می‌گیرد. همچنین، شرکت‌های تجاری در مواردی که به دلیل عملکرد زیان‌بار خود مورد اتهام قرار می‌گیرند، از شیوه برون‌فکنی استفاده و دولت را به جهت قانون‌گذاری در حیطه امور تجاری و نقض مقررات مربوط به بازار آزاد، مورد سرزنش قرار می‌دهند (Kieffer & Sloan, op.cit.: 323).

در زمینه جرائم حکومتی حکومت‌ها به‌وفور از این شیوه برای توجیه و سرپوش گذاشتن بر جرائم ارتكابی استفاده می‌کنند. استفاده از این شیوه نه تنها فرصت پنهان‌سازی جرائم حکومتی را به همراه می‌آورد، بلکه ابزار مناسب مقابله با افراد، نهادها و کشورهایی است که آن‌ها را دشمن تلقی می‌کنند. مرتکبان جرائم حکومتی با زیرسؤال بردن محکوم‌کنندگان بر انگیزه و اهداف آن‌ها از تقبیح رفتارهای حکومت تمرکز نموده و تلاش می‌کنند که با زیرسؤال بردن آن‌ها، خود را تبرئه کنند. برای مثال، برخی از حکومت‌ها سرزنشگران جرم حکومتی و نقض حقوق بشر را عناصر خارجی، مخالف نظام، وابسته به اجانب، معاندین حکومت و مهره‌های دشمن معرفی نموده که از موازین بین‌المللی نظیر حقوق بشر در راستای اهداف خود سوءاستفاده می‌کنند و ارتکاب جرائم حکومتی را به این نحو توجیه می‌کنند که افراد سرزنشگر خود فاسد، بی‌کفایت و دست‌نشانده دشمن، اجنبی و مزدور هستند.

نه تنها در عرصه داخلی، بلکه در تعاملات بین‌المللی نیز حکومت‌ها تلاش می‌کنند دیگرانی را که آن‌ها را به ارتکاب جرائم حکومتی متهم می‌کنند، متقابلاً مورد اتهام قرار دهند. به این نحو که گزارشات سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نظیر شورای حقوق بشر، دیده‌بان حقوق بشر، شفافیت بین‌الملل و سازمان‌های مردم‌نهاد را جانب‌دارانه خوانده و آن‌ها را متهم به عدم رعایت انصاف، حقیقت‌جویی و بی‌طرفی در ارائه گزارش می‌کنند.

مکانیسم دفاعی فرافکنی، نسبت‌دادن تمایلات نامناسب و ناپسند خویش به دیگران و در نتیجه عاری‌دانستن خود از عیب و نقص برای فرار از احساس گناه است. انتقاد از دیگران، سرزنش مداوم آن‌ها، نسبت‌دادن صفات و خصوصیات به افراد دیگر از جمله روش‌های مورد استفاده در این مکانیسم است (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲: ۱۴۲-۱۴۱ به نقل از اخوان‌علیزاده، ۱۳۷۴: ۲۱).

۲-۲. توسل به ارزش‌های برتر و توجیه جرم حکومتی

در این روش، بزهکار تلاش می‌کند جرم ارتكابی را در راستای اهداف عالی خانواده، گروه و یا جامعه و نه برای نفع شخصی عنوان نماید (ویلیامرز و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۰۷ به نقل از رحیمی‌نژاد و دیگران، پیشین: ۱۰۰). بسیاری از جرائم حکومتی به‌ویژه جرائم خشونت‌بار حکومت نظیر خشونت پلیسی، شکنجه، قتل متهمین و زندانیان و غیره با استفاده از این روش موجه خوانده می‌شود. حکومت‌ها در مواردی جرائم حکومتی را با توسل به آرمان‌های سیاسی و یا ارزش‌هایی چون اجرای قانون، حفظ موازین شرعی، کنترل جرم و موارد مشابه توجیه می‌کنند. همچنین، اندیشه‌های قومیت‌گرا، بنیادگرا و ملی‌گرا می‌تواند بر میزان ارتكاب جنایات بین‌المللی، موارد نقض آشکار حقوق بشر، جرائم تروریستی و آمار قربانیان تأثیرگذار باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۴)؛ چه آنکه امور فوق کاملاً مرتبط با چهارچوب‌های ارزشی است.

یکی از مفاهیم مرتبط با موازین ارزشی، ایدئولوژی است. ایدئولوژی در سطح کلان در قالب یک دولت ایدئولوژیک ظاهر می‌شود. منظور از دولت ایدئولوژیک، دولتی است که بر اساس ایدئولوژی واحدی که مدعی کنترل و تنظیم همهٔ وجوه زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است، تأسیس شده و می‌کوشد تا برحسب اصول عقاید آن ایدئولوژی زندگی اجتماعی را تنظیم و کنترل کند و هم‌همچنین، ابعاد مختلف زندگی اخلاقی و فرهنگی را تحت انضباط درآورد (بشیری، ۱۳۸۱: ۱۷). در حکومت‌های ایدئولوژیک هرگونه ادعایی مبنی بر ارتكاب جرم حکومتی با تعصبات ایدئولوژیکی همراه خواهد شد و گاه با عنوان یک سیاست مطلوب از آن دفاع خواهد شد (فورچی بیگی، ۱۳۹۴: ۱۴۵). چه آنکه کسانی که علیه دیگران خشونت‌آمیز رفتار می‌نمایند، نیاز دارند که احساس کنند به‌صورت مشروع و اخلاقی عمل می‌کنند و ایدئولوژی به خلق و تقویت این استدلال‌ها کمک می‌کند (الوارز، ۱۳۹۶: ۳۵۸).

جرائم پرشماری نظیر هولوکاست، جنایات رواندا، کامبوج، چین و شوروی، خشونت‌های اعمال شده علیه مردم بومی آمریکا و غیره نمونه‌هایی هستند که در آن‌ها ایدئولوژی نقش محوری در بروز، استمرار و توجیه جرائم حکومتی داشته است. با این حال، فاجعهٔ حکومت‌های سوءاستفاده‌گر از ایدئولوژی در همین نقطه پایان نمی‌پذیرد، بلکه تا بدان‌جا پیش می‌رود که حتی اعتقادات به‌تدریج به حاشیه رانده شده و اعمال خشونت، اصل تلقی می‌شود؛ چنان‌که چنین حکومت‌هایی را می‌توان فن‌ورز خشونت نامید و نه ایدئولوگ. در چنین شرایطی، ایدئولوژی تنها به ابزاری برای رسیدن به قدرت و یا حفظ آن از طریق ایجاد فریبندگی ناشی از آرمان‌خواهی، قومیت‌گرایی، جهان‌بینی مطلق‌گرا و مشابه آن‌ها بدل می‌شود و مردم را متقاعد به حمایت از قدرت حاکمه علی‌رغم ستمگری بی‌حد و حصر آن می‌نماید.

۳-۲. جرم حکومتی و فلسفه‌بافی

یکی از مکانیسم‌های دفاعی، عقلانی‌سازی یا به تعبیر دیگر فلسفه‌بافی است. در این مکانیسم تلاش می‌شود در مواجهه با یک واقعیت خارجی، توضیحی منطقی ارائه شود (Grohol, 2016: 3). این مکانیسم بر استفاده فزاینده از فرایندهای عقلانی برای گریز از شرایط مخاطره‌آمیز دلالت دارد و کارکرد آن قابل‌پذیرش کردن اعتقادات، باورها و رفتارهای غیرقابل‌قبول است؛ به‌گونه‌ای که شرایط مخاطره‌آمیز را از بین برده و یا کنترل نماید (Bowins, 2004: 9). بی‌توجهی مفرط به واقعیت بیرونی، تأکید بر جزئیات و جنبه‌های غیرضروری و حاشیه‌ای و رهاکردن اصل موضوع از ویژگی‌های بارز این مکانیسم دفاعی است. یکی از گونه‌های جرائم حکومتی که با استفاده از سازوکار عقلانی‌سازی توجیه می‌شود، سلب آزادی‌های شهروندی در حوزه فرهنگ است. حکومت‌ها تلاش می‌کنند مداخلات کیفری و جرائم ارتكابی خود در حوزه منش‌های فرهنگی گروه‌های اقلیت قومی، دینی، نژادی و غیره را با ابزارهای عقلانی نظیر لزوم تبعیت از فرهنگ غالب به‌منظور حفظ یکپارچگی کشور، و جوب تبعیت از حاکم در امور مختلف، حرمت شرعی عدم رعایت آموزه‌های فرهنگ رایج و موارد مشابه توجیه نمایند و بدین سان، ارتکاب اعمال مجرمانه را نسبت به گروه‌های فوق مشروع سازند.

۴-۲. جرم حکومتی و دلیل تراشی

دلیل‌تراشی^۱ به‌عنوان یکی دیگر از مکانیسم‌های دفاعی ابزاری برای خوب جلوه‌دادن رفتار آدمی است. به‌وسیله دلیل‌تراشی مجوزهای مناسبی برای توجیه اعمال و رفتار به دست می‌آید (اخوان علیزاده، پیشین: ۲۲). هدف استفاده از این مکانیسم کاستن از میزان مسئولیت و توجیه رفتار به‌گونه‌ای است که انگیزه اصلی را پنهان و رفتار را به انگیزه‌های دیگری نسبت دهد (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲: ۱۴۱-۱۴۰). به نقل از اخوان علیزاده، همان).

در سطح کلان حکومت‌ها با استفاده از فن دلیل‌تراشی انگیزه اصلی خود از ارتکاب جرائم حکومتی را پنهان می‌کنند و دلیل رفتار خود را به امور دیگری نسبت می‌دهند. برای نمونه، جرائم خشونت‌بار حکومت علیه معترضان در پرتو لزوم حفظ نظم و امنیت ملی توجیه می‌شود. مبارزه با تروریسم^۲ یکی دیگر از توجیهاتی است که حکومت‌های مختلف از آن جهت موجه‌سازی جرائم ارتكابی خود استفاده می‌کنند؛ چنان‌که در حال حاضر، بهانه‌کردن مبارزه با تروریسم برای ارتکاب جرم حکومتی به‌ویژه جرائم حکومتی بین‌المللی بسیار شایع و رایج است. به‌نحوی که دولت‌ها با

1. Rationalization

۲. برای نمونه می‌توان به جرائم بیشمار که دولت آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم در عراق، افغانستان انجام داد، اشاره کرد.

دستاویز امنیت، به سیاسی‌سازی بزهکاری و به‌ویژه جرائم تروریستی مبادرت می‌نمایند (میرمحمدصادقی و قدیری، ۱۳۹۴: ۹). کشورهای قدرتمند با تروریست خواندن مخالفان خود سعی می‌کنند با الصاق این برچسب به سایر کشورها و یا افراد مخالف خود، آن‌ها را در صحنه‌های رسانه‌ای، اجتماعی بدنام نموده و از این طریق با دشمن جامعه خواندن مخالفان و تروریست دانستن آن‌ها زمینه واکنش علیه آنان را فراهم سازند. ارتکاب جرائم حکومتی با دلایل اعتقادی و ملی، نمونه دیگری از دلیل تراشی حکومت برای ارتکاب و استمرار جرائم حکومتی است. جنایات حکومت علیه اقلیت مسلمان میانمار و به‌ویژه مردم روهینگیا به‌واسطه توجیهات مذهبی تنها نمونه‌های اندکی از ارتکاب جرائم حکومتی با استفاده از مکانیسم دلیل تراشی است.^۱ توجه به مکانیسم دلیل تراشی و نقش آن در ارتکاب جرم را نیز می‌توان در یافته‌های نظریه شناختی جرم نیز مورد مطالعه قرار داد. در این نظریه بخشی از مجرمان با توجه به عنصر شناختی و باورهای خود، تفسیری از یک وضعیت ارائه می‌دهند و اقدام خود را در ارتکاب جرم توجیه و قربانی خود را مستحق (مجازات) و مرگ تصور می‌کنند (قماشی، پیشین: ۲۵۹). الیوت ارنسون در این باره می‌گوید: «برای اکثر مردم وارد آوردن دو رنج عمدی به دیگران مشکل است؛ مگر اینکه از قربانی خود انسانیت‌زدایی کنند. بدین آسیایی‌ها بود، کارکنان نظامی ما اغلب آن‌ها را آشغال می‌نامیدند. ما این امر را یک دلیل تراشی انسانیت‌زدا به‌منظور سان، هنگامی که ملت ما درگیر جنگ با انجام اقدامات بی‌رحمانه تلقی می‌کنیم؛ زیرا ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز علیه یک آشغال آسان‌تر است» (ارنسون، ۱۳۹۲: ۳۱۷ به نقل از قماشی، همان). مثال‌های فوق نشان می‌دهد که چگونه مکانیسم دلیل تراشی توسط حکومت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و توانایی آن را دارد تا در دو مرحله تأثیرگذار باشد؛ یکی پیش از ارتکاب جرم که واجد نقش تسهیل‌کنندگی است و دیگری پس از آنکه وسیله توجیه‌گری اقدامات انجام‌شده است.

شکل زیر چگونگی تأثیرگذاری متقابل سازوکارهای انکار و روش‌های موجه‌سازی (فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی) و نقش تسهیل‌کنندگی آن‌ها در ارتکاب جرائم حکومتی را نشان می‌دهد:

۱. برای مطالعه بیشتر رک: به روستائی، علیرضا و آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۵)، «پاک‌سازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت علیه بشریت یا نسل‌زدایی؟»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، ش ۱۵، صص ۷۳-۴۵.



نتیجه‌گیری

بررسی متون جرم‌شناختی معاصر حاکی از آن است که جرائم حکومتی علی‌رغم شدت (هاومن و سمولرز، پیشین: ۳۲) گستردگی و اهمیت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۲) همچنان واجد بیشترین بی‌تفاوتی و کمترین واکنش عمومی است (فورچی بیگی، ۱۳۹۴: ۱۴۶). بی‌اعتنایی به این جرائم نه تنها در صحنه عمل، بلکه پیش از آن در عرصه پژوهش قابل مشاهده است (Rothe & Ross, 2008). فورچی بیگی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). چنان‌که تا دو دهه پیش امکان مطالعه جرم حکومتی به اندازه یک فصل نیز وجود نداشت (Moran, 1974)، برخی از گونه‌های این جرائم ناشناخته بود و جرم‌شناسی در غفلتی تاریخی نسبت به جرم حکومتی قرار داشت (گرین و وارد، ۱۳۹۸: ۱۲; 741; 3; Rothe & Ross, op.cit.: 166; Pruitt, 2014: 3; Rothe & Kauzlarich, 2010). حتی در حال حاضر نیز تلاش برای توسعه جرم‌شناسی جرائم حکومت روئند روبه‌رشدی را تجربه نمی‌کند (کوزلاریچ، ۱۹۹۵ به نقل از فورچی بیگی، ۱۳۹۴: ۱۴۸) و همچنان عمده جرائم مورد توجه جرم‌شناسی جرائم خیابانی، جرائم خشن، مواد مخدر و بزهکاری اطفال و نوجوانان است (Michalowski, 2013: 20). برای رفع ابهامات نظری در حوزه جرم حکومتی می‌توان از نظریه‌های مختلفی بهره گرفت. مقاله حاضر، با استفاده از نظریه فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی تلاش نمود به جنبه‌هایی از جرم حکومتی که با استفاده از ترکیب روش‌های انکار و توجیه‌گری ارتکاب می‌یابد، بپردازد. در یک نگرش تلفیقی مفهومی^۱ مفاهیم مندرج در مکانیسم‌های دفاعی به‌عنوان ابزارهای روانی که فرد

۱. تلفیق مفهومی با توجه به شباهت مفاهیم نظریه‌ها و مکمل بودن مفهومی آن‌ها صورت می‌گیرد. در این نوع از تلفیق، مفاهیم از نظریه‌های گوناگون بدون توجه به مفروض‌ها یا نکات اصلی نظریه‌ها به عاریت گرفته می‌شود و سپس این مفاهیم به شکلی جدید در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۵: ۳۸۲). برای ساخت نظریه تلفیقی از نوع مفهومی، در قدم نخست، مفاهیمی از یک نظریه برای تعریف پدیده‌های مورد نظر در یک نظریه دیگر، مورد اقتباس قرار می‌گیرد که به آن جذب مفهومی

در برابر اضطراب از آن به‌طور ناخودآگاه استفاده می‌کند تا آن را کاهش داده و محیط را کنترل کند، با ارتقای سطح مفهومی، قابلیت آن را دارند که از شخص به سازمان (حکومت) سرایت داده شوند و جهت توضیح جرائم حکومتی مورد استفاده قرار گیرند. از جمله مفاهیم مذکور می‌توان به فرافکنی، فلسفه‌بافی، توسل به ارزش‌های برتر، دلیل‌تراشی و آرمانی‌سازی اشاره کرد. برخی از سازوکارهای ذکرشده با ابزارهای خنثی‌سازی نظیر انکار جرم، انکار بزه‌دیده و انکار مسئولیت و محکوم‌کردن محکوم‌کنندگان و توسل به ارزش‌های برتر قابلیت ترکیب دارند. بر این اساس سازوکارهای انکار و موجه‌سازی نقش تکمیل‌کنندگی داشته و در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند. از این‌رو، جرم حکومتی در یک سطح با استفاده از روش‌های انکار ارتکاب یافته، تداوم می‌یابد و در عین حال، از طریق سازوکارهای موجه‌سازی مشروع جلوه داده می‌شود. بر این اساس، جرم حکومتی می‌تواند در نتیجه ترکیب گونه‌های مختلف انکار و روش‌های متنوع موجه‌سازی ارتکاب یابد.

گزاره‌های مندرج در نظریه فنون خنثی‌سازی و مکانیسم‌های دفاعی این امکان را فراهم می‌آورند که رفتارهای زیان‌بار حکومت به‌عنوان یک موجود عقلانی درک شود؛ حکومتی که اگرچه به ناشایست‌بودن اعمال خود در باطن اعتراف دارد، ولی در صحنه عمل تلاش می‌کند از طریق ابزارهای موجه‌انگاری جرم و انکار، خود را از شر سرزنش درونی و بیرونی رها سازد.

حکومت در به‌کارگیری روش‌های انکار و موجه‌سازی به نوعی اولویت‌بندی دست می‌زند. بدین ترتیب، ابتدا با استفاده از انواع روش‌های پنهان‌سازی جرم، منحرف‌کردن افکار عمومی، ایجاد هراس اخلاقی از طریق رسانه‌ها نسبت به جرم‌های کم‌اهمیت و موارد مشابه تلاش می‌کند جرم ارتكابی خویش را انکار کند و در صورت عدم موفقیت، در قدم بعدی با اندک جلوه‌دادن زیان‌های وارده، تلاش می‌کند بزه‌دیدگان را به حاشیه براند و یا حتی آنان را لایق بزه‌دیدگی توصیف کند. در مرحله بعدی نیز، عدم پذیرش مسئولیت ناشی از اقدامات زیان‌بار مورد استفاده حکومت قرار می‌گیرد. همچنین، روش‌های موجه‌انگاری جرم و مکانیسم‌های دفاعی نظیر محکوم‌کردن محکوم‌کنندگان و توسل به ارزش‌های برتر، دلیل‌تراشی، عقلانی‌سازی و غیره نیز می‌توانند پیش، پس و یا حین به‌کارگیری روش‌های انکار مورد استفاده قرار گیرند. بدین ترتیب، حکومت‌ها برای توجیه جرائم ارتكابی خود همواره به درجات مختلف از مجموعه‌ای از روش‌های انکار و موجه‌انگاری استفاده می‌کنند و علی‌رغم آنکه فاسد، بزه‌کار و جنایت‌کار هستند، از پذیرش نتایج

گفته می‌شود (ایکرز و سلرز، ۱۳۹۵: ۸۶). به این ترتیب، در تلفیق مفهومی، نظریه‌پرداز، مفاهیمی را از نظریه‌های مختلف وام می‌گیرد با این استدلال که این مفاهیم هرچند در نظریه‌های متفاوتی جای دارند، اما دارای معانی و الهام‌بخشی‌های مشابهی هستند. در مرحله بعدی نیز، مفاهیم بنیادین هر نظریه تا آنجا که امکان‌پذیر باشد، با مفاهیم بنیادین نظریه دیگر درهم‌آمیخته می‌شود.

زیان‌بار اقدامات خود ظفره می‌روند. در نتیجه، با منش توجیه‌گری جرم و عدم مسئولیت‌پذیری، جامعه را به بیماری مزمن فرهنگ انکار، دروغ و فریب مبتلا ساخته^۱ و این چنین بشریت را به پایان خود نزدیک می‌کنند؛ چه آنکه قیامت برپا نخواهد شد، مگر وقتی امیران دروغ‌گو و وزیران بدکردار هویدا شوند.^۲

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم‌شناختی جرائم ماموران نظام مالیاتی از منظر فنون خنثی‌سازی»، *ارتقاء سلامت اداری نظام مالیاتی* (مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و فرصت‌های فراروی سلامت نظام مالیاتی کشور با تأکید بر پیشگیری از تخلف)، به کوشش شهرام ابراهیمی، ج ۱، تهران: نشر میزان، صص ۳۰-۱۵.
۲. احمدوند، محمدعلی (۱۳۶۸)، *مکانیسم‌های دفاعی روان*، ج ۱، تهران: نشر بامداد.
۳. اخوان‌علیزاده، الهه (۱۳۷۴)، «مکانیزم‌های دفاعی»، *مجله تربیت*، سال یازدهم، ش ۳، صص ۲۰-۲۵.
۴. آقاحسینی، علیرضا، محمدی‌فر، نجات؛ نجفی، داوود (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی» (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره هفتم، ش ۳، صص ۱۸۱-۱۵۵.
۵. الوارز، الکس (۱۳۹۶)، «اندیشه‌های ویرانگر، نسل‌زدایی و نقش ایدئولوژی»، *ترجمه رحیم نوبهار و فاطمه نوبهار*، در: سمولرز، آلت؛ هاومن، رولف، *جرم‌شناسی فراملی به‌سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، ج ۱، تهران: نشر میزان، صص ۳۷۷-۳۴۶.
۶. ایگرز، رونالد؛ سلرز، کریستین (۱۳۹۵)، *نظریه‌ها و نظریه‌پردازان جرم‌شناسی*، ترجمه غلامرضا محمد نسل، ج ۱، تهران: نشر دادگستر.
۷. باراک، گرگ (۱۳۹۶)، «به‌سوی مطالعه تلفیقی جنایات بین‌المللی و بزهکاری دولتی - شرکتی: رویکردی دوسویه به نقض آشکار حقوق بشر»، ترجمه حامد صفایی آتشیگانه، در: سمولرز، آلت؛ هاومن، رولف، *جرم‌شناسی فراملی به‌سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، ج ۱، تهران: نشر میزان، صص ۶۸۹-۶۵۶.
۸. بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، «بحران دولت‌های ایدئولوژیک»، *مجله بازنه اندیشه*، ش ۲۸، صص ۲۲-۱۷.
۹. بیلک من، جی اس (۱۳۹۶)، ۱۰۱ *مکانیسم دفاعی (ذهن چگونه از خود دفاع می‌کند)*، ترجمه زینب فرزادفر و محمود دژکام، ج ۲، تهران: نشر رشد.
۱۰. جهان، فائزه؛ مهرافزون، داریوش؛ حسینی، شراره (۱۳۹۷)، «تربیتی حسابیت‌زدایی با حرکات چشم و بازپردازش مجدد بر تنظیم هیجان، مکانیسم دفاعی و کیفیت زندگی در دختران نوجوان مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال نهم، ش ۳۳، صص ۷۰-۵۱.

۱. امام علی(ع): النَّاسُ يَأْمُرَانِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ (حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴.ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین، ص ۲۰۸ به نقل از مفتاح ۱۳۹۳: ۱۳۲). همچنین، در روایت (و یا مثلی) آمده است: النَّاسُ عَلَى دِينِ مَلُوكِهِمْ (اربی، علی بن عیسی (۱۳۸۱.ق)، *کشف الغمّه فی معرفه الانمه*، تبریز: مکتبه بنی هاشم، ص ۲۱).

۲. لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ أُمَّرَأَةً كَذِبَةً، وَوَزْرَاءَ فِجْرَةٍ، وَأَمْنَاءَ خَوْتَةٍ، وَفَرَاءَ فَسَقَةٍ، سَمَّتُهُمْ سَمَةَ الرَّهْبَانِ وَلَيْسَ لَهُمْ رَعْبَةٌ (الهیشمی، أبو الحسن نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان (۱۴۱۴.ق- ۱۹۹۴.م)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، ج ۵، القاهرة: نشر مکتبه القدسی، ص ۲۳۳، حدیث شماره ۹۱۸۰).

۱۱. دارابی، شهرداد (۱۳۹۸)، *پزهکاری یقه‌سرخ‌ها*، ج ۱، تهران: نشر میزان.
۱۲. دارابی، شهرداد (۱۳۹۷)، «پیشگیری از جرائم خونین یقه‌سرخ‌ها»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، ش ۲، صص ۱۵۴-۱۳۳.
۱۳. راس، جفری ایان (۱۳۹۳)، *تحولات جرم سیاسی*، ترجمه حسین غلامی، ج ۳، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. رحیمی‌نژاد، اسماعیل؛ آقایی، مهدی؛ قلی‌پور، غلامرضا (۱۳۹۴)، «نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، ش ۱۱، صص ۸۵-۱۱۲.
۱۵. روستائی، علیرضا؛ آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۵)، «پاک‌سازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت علیه بشریت یا نسل‌زدایی؟»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، ش ۱۵، تابستان، صص ۷۳-۴۵.
۱۶. سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی کجروزی*، ج ۶، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. سمولرز، آلت؛ هاومن، رولف (۱۳۹۶)، *جرم‌شناسی فراملی، به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، ترجمه گروهی از پژوهشگران علوم جنایی، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، ج ۱، تهران: نشر میزان.
۱۸. صدری، شمین؛ پزشک، شهلا؛ طبیلی، معصومه (۱۳۹۵)، «ویژگی‌های شخصیتی و مکانیسم‌های دفاعی پزهکاران پسر کانون اصلاح و تربیت بر اساس نوع جرم»، فصلنامه روان‌شناسی افراد استثنایی، سال ششم، ۲۳، صص ۱۷۹-۱۹۷.
۱۹. عبدالهی، معاذ (۱۳۹۷)، تأثیر مدل‌های حکومتی در جرم‌انگاری جرائم دولتی، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
۲۰. غلامی، حسین (۱۳۹۰)، مقدمه در «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتیز: جرم و مجازات در کره شمالی (با تکیه بر نقش پلیس)»، مین یون وو، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۹، تابستان، صص ۲۱۸-۱۹۱.
۲۱. غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۸)، *پیشگیری از جرائم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب*، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۲. فروید، آنا (۱۳۹۵)، *من و سازوکارهای دفاعی*، ترجمه محمد علی‌خواه، ج ۱، تهران: نشر مرکز.
۲۳. فروید، زیگموند (۱۳۹۵)، *مکانیزم‌های دفاع روانی*، ترجمه سیدحسین گوهری راد و محمد جوادی، ج ۱، تهران: نشر رادمهر.
۲۴. قماش، سعید (۱۳۹۴)، «از جرم‌شناسی علت‌شناختی تا جرم‌شناسی شناختی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۸، ش ۲، صص ۲۷۱-۲۴۷.
۲۵. قمری، حسین؛ رستمی، مریم؛ نادر، مقصود؛ ایل بیگی قلعه‌نی، رضا (۱۳۸۹)، «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و مکانیزم‌های دفاعی در افراد معتاد و غیرمعتاد»، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، سال چهارم، ش ۱۵، صص ۷۱-۸۱.
۲۶. قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۵)، «جرم‌شناسی جرائم دولتی: از غفلت جرم‌شناسی تا جرم‌شناسی آینده‌نگر»، *علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی* (مجموعه مقالات نكوداشت دکتر سیلویا تلتناخ)، ج ۱، تهران: نشر میزان.
۲۷. قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۴)، *جرم‌شناسی جرائم یقه‌سفیدها*، ج ۱، تهران: انتشارات دادگستر.
۲۸. کوزلاریچ، دیوید؛ ماتو، ریک؛ جی میلر، ویلیام (۱۳۸۹)، «بزه‌دیدگی‌شناسی جرائم دولت»، ترجمه مجید قورچی بیگی، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، ش ۲۲-۲۱، صص ۱۱۷-۱۳۸.
۲۹. کوزلاریچ، دیوید (۱۳۹۶)، «بزه‌دیدگی و جرم‌شناسی فراملی»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و مهران پرسته، در: سمولرز، آلت؛ هاومن، رولف، *جرم‌شناسی فراملی به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، ج ۱، تهران: نشر میزان، صص ۶۸۹-۶۵۶.
۳۰. گرین، پنی؛ وارد، تونی (۱۳۹۸)، *جرم حکومتی (دولت‌ها، خسوت، فساد)*، ترجمه نبی‌اله غلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مجد.
۳۱. لسلت، کریستین (۱۳۹۷)، «رویکرد جرم‌شناختی به جرائم دولتی و پاسخ به آن‌ها»، ترجمه آزاده صادقی و جمشید غلاملو، *رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌المللی کیفری*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، ج ۱، تهران: نشر میزان.
۳۲. مفتاح، محمدهادی (۱۳۹۳)، «سبک زندگی مدیران زمینه‌ساز»، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال هشتم، ش ۳۱، صص ۱۳۱-۱۵۳.

۳۳. مهاجری، علی؛ خانلری، عبدالرضا (۱۳۸۸)، جرائم شغلی کارکنان دولت، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
۳۴. مهری‌نژاد، ابوالقاسم؛ شریفی، مهشید (۱۳۹۶)، «رابطه مکانیسم‌های دفاعی سازگارانه و ناسازگارانه با دین‌داری در دانشجویان»، *دوفصلنامه علمی- ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، سال پنجم، ش ۸، صص ۱۱۷-۱۳۸.
۳۵. میرمحمدصادقی، حسین؛ قدیری؛ بهرام‌آبادی، رشید (۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرائم تروستی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال چهارم، ش ۱۳، صص ۴۹-۹.
۳۶. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، ج ۲، تهران: نشر میزان.
۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۱)، *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)*، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، بازبینی و ویرایش: مجید صادق‌نژاد نائینی و حامد صفایی آتشگاه.
۳۸. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۵)، *تقریرات درس جرم‌شناسی نظری*، تهیه و تنظیم: محبوبه منفرد و انسیه حسینی، مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۹. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۶)، «جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی»، *دیپاچه در: جرم‌شناسی فراملی به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، ج ۱، تهران: نشر میزان.
۴۰. نظام‌زاده، ضرغام؛ قمری گیوی، حسین (۱۳۸۷)، «سازوکارهای دفاعی و راه‌های مقابله در افراد مبتلا به اختلال اضطراب منتشر و افسردگی اساسی»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، ش ۱، صص ۳۳-۳۸.
۴۱. وایت، راب؛ هینز، فیونا (۱۳۹۵)، *جرم و جرم‌شناسی، نظریه‌های جرم و کجروی*، ترجمه علی سلیمی، ج ۸، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۲. ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسنیس، جفری (۱۳۹۱)، *جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)*، ترجمه علی شجاعی، ج ۵، تهران: انتشارات سمت.
۴۳. وودوارد، باب (۱۳۸۷)، *حکومت انکار: بوش در جنگ*، ترجمه فریدون دولتشاهی، ج ۱، تهران: انتشارات اطلاعات.
۴۴. ویژه، محمدرضا (۱۳۸۹)، «نگرش تطبیقی بر مبانی و ساختار دولت حقوقی»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی (پژوهش-های حقوق تطبیقی)*، دوره ۱۴، ش ۴، صص ۱۹۱-۱۶۷.
۴۵. ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین دی (۱۳۹۵)، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، ج ۶، تهران: نشر میزان.
۴۶. هویسمان، ویم (۱۳۹۶)، «شرکت‌ها و جنایات بین‌المللی»، ترجمه رسول عابد، در: *سمولرز، آلت؛ هاومن، رولف، جرم‌شناسی فراملی به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، ج ۱، تهران: نشر میزان، صص ۲۹۸-۳۴۶.
۴۷. یون وو، مین (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتار: جرم و مجازات در کره شمالی (با تاکید بر نقش پلیس)»، ترجمه حسین غلامی، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ش ۱۹، صص ۲۱۸-۱۹۱.

ب) غیرفارسی

۴۸. اربی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمه فی معرفه الانمه*، تبریز: مکتبه بنی هاشم.
۴۹. هیشمی، أبو الحسن نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان (۱۴۱۴ه.ق)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، ج ۵، القاهرة: نشر مکتبه القدسی.

50. Akers, R. L. and Sellers, C. S. (2009), *Criminological theories: Introduction, Evaluation, and Application*, (5th ed.), Oxford: Oxford University Press.
51. Barak, Gregg (1990), "Crime, criminology and human rights, towards an understanding of state criminality", *Journal of Humanjustice*, (2)1, pp: 11-28.
52. Bowns, Brad (2004), "Psychological Defense Mechanisms: A New Perspective", *The American Journal of Psychoanalysis*, Vol. 64, No. 1, pp: 1-26.
53. Chambliss, William and Moloney, Chris (2015), *State Crime*, Routledge.

54. Cohen, Stanley (1993), "Human rights and crimes of the state: the culture of denial, Australian and New Zealand Journal of Criminology", Vol. 26, Issue 2, pp: 97-115.
55. Dawn, L Rothe and Jeffrey, Ian Ross (2008), "The Marginalization of State Crime in Contemporary Introductory Textbooks in Criminology", Critical Sociology, Vol. 34, Iss. 5, pp: 741-752. Available at: <http://works.bepress.com/jeffreyianross/57>
56. Doig, Alan (2011), State Crime, Taylor & Francis e-Library.
57. Gellerman, Saul W. (2003), "Why Corporations Can't Control Chicanery." Business Horizons, 46 (3), pp: 17-24.
58. Geva, Aviva (2006), "A Typology of Moral Problems in Business: A Framework for Ethical Management", Journal of Business Ethics, 69 (2), pp: 133-47.
59. Green, Penny & Ward, Tony (2004), State crime: governments, violence and corruption, Pluto Press.
60. Grohol, John M. (2016), "15 Common Defense Mechanisms", Available at: psychcentral.com/lib/15-common-defense-mechanisms
61. Hamm, M. S. (2002), "Stanley Cohen, States of Denial: Knowing About Atrocities and Suffering", Critical Criminology, 11(2), pp: 177-183.
62. Henry, Stuart and Eaton, Roger (1999), Degrees of Deviance: Student Accounts of Their Deviant Behavior, Salem: Sheffield Publishing. Available at: <https://doi.org/10.1080/1057610X.2018.1452754>
63. Kaptein, Muel and Helvoort, Martien (2018), "A Model of Neutralization Techniques", Deviant Behavior, volume 39. Available at: <https://doi.org/10.1080/01639625.2018.1491696>
64. Kauzlarich, D. and Kramer, R. C. (1998), Crimes of the American nuclear state: At home and abroad, Boston: Northeastern University Press.
65. Kieffer, Scott M and Sloan, John J. (2009), "Overcoming Moral Hurdles: Using Techniques of Neutralization by White-Collar Suspects as an Interrogation Tool", Security Journal, 22, pp: 317 - 330.
66. Michalowski, Raymond (2013), What is Crime? Why is Criminology?, Northern Arizona University.
67. Moran, Richard (1974), Political crime, doctoral dissertation, University of Pennsylvania.
68. Nicholson, Jason and Higgins, George E. (2017), "Neutralization/Drift Theory", In The Encyclopedia of Juvenile Delinquency and Justice, John Wiley & Sons Inc, 1 edition.
69. Pruitt, William R. (2014), "How Criminology can engage in the Theorizing on Genocide", International Journal of Criminal Justice Sciences, Vol 9 Issue.
70. Rothe, Dawn L. (2009), State Criminality: The Crime of All Crimes. Lexington Books.
71. Rothe, Dawn L and Kauzlarich, (2010), David. State Crime Theory and Control in Criminology and Public Policy, Edited by Hugh D. Barlow and Scott H. Decker. Temple University.
72. Rothe, Dawn L. and Mullins, Christopher W. (2009), "Toward a Criminology of International Criminal Law: An Integrated Theory of International Criminal Violations", International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice. Volume 33, Issue 1, pp: 97-118.
73. Rothe, Dawn L and Ross, Jeffrey Ian (2008), "The Marginalization of State Crime in Introductory Textbooks on Criminology". Critical Sociology 34(5), pp: 741-752.
74. Ross, Jeffrey Ian (ed.) (2000), Varieties of State Crime and Its Control, Monsey, NJ: Criminal Justice Press.
75. Shigihara, Amanda M. (2013), "It's Only Stealing a Little a Lot: Techniques of Neutralization for Theft among Restaurant Workers", Deviant Behavior 34 (6), pp: 494-512.
76. Sykes, Gresham M and David Matza. (1957), "Techniques of Neutralization: A Theory of Delinquency", American Sociological Review 22 (6), pp: 664-70.
77. Ward, Tony and Green, Penny (2000), "Legitimacy, Civil Society and State Crime", Social Justice, 27(4), pp: 76-93.
78. Whyte, David (2016), "It's common sense, stupid! Corporate crime and techniques of neutralization in the automobile industry", Crime, Law and Social Change, Volume 66, Issue 2, pp: 165-181.

79. Williams, K. S. (2010), "State crime", In F. Brookman, M. Maguire, & T. Bennett (Eds.), Handbook on crime, Cullompton, England: Will, pp: 742-761.

